



چاپ

چاپ در ایران، تحولات، تنگناها

فهیمة حسین زاده

گسترش و پیچیدگی جوامع، لزوماً پیچیدگی روابط انسانها را نیز به دنبال دارد. در این میان، نقش رسانه‌های گروهی جهت‌نویس این روابط بر کسی پوشیده نیست. از میان رسانه‌ها، رسانه‌های مکتوب و یا نوشتاری جایگاه قدیمی خود را در طول تاریخ بشری به عنوان یکی از اصیلترین کاتالهای ارتباطی همچنان حفظ کرده‌اند. از این رو، پرداخت به مسئله چاپ تنها پرداخت به یک صنعت نیست، بلکه بررسی مقوله‌ای مهم در ارتباط میان انسانهاست. صحت این بررسی زمانی مورد تأیید قرار می‌گیرد که در دو برش طوبی و عرضی صورت گیرد. به این معنی که نقش چاپ در انتقال فرهنگ انسانها در طول تاریخ در درجه اول، و نقش چاپ در گسترش یک فرهنگ، نظریاً اینده‌نولوژی در پهنه یک جامعه در یک زمان در درجه دوم، مورد بررسی قرار گیرد.

تاریخچه چاپ

با اختراع و تکوین صنعت کاغذ در چین، این امکان فراهم شد که چینی‌ها برای ثبت و نگاهداری نسخه‌های خطی یا نوشته‌های نفیس خود، صنعت چاپ را به کمک گیرند. آنها ابتدا از مهره‌های سنگی روحانیون بردایی که کلمه‌ها روی آنها حکاکی شده بود، استفاده می‌کردند و سپس از قطعات چوبی که کلمه‌ها و تصاویر را به طور برجسته و به ترتیب معکوس، روی آنها مالیده شده بود، بهره جستند.

در همان زمان، اروپا در جهل و بی‌خبری نسبت به این دانش به سر می‌برد. توده‌بشماری از مردم اروپا یا اصلاً از موهبت خواندن و نوشتن محروم بودند یا بهره آنها از این امکان چنان اندک بود که نمی‌توانستند از آن، در بهبود فرهنگ و دانش خود استفاده کنند. تصاویر تنها وسیله آموزش آن زمان بودند و مطالب از همین طریق و یا به شکل وعظ و سخنرانی به مردم آموخته می‌شد. قوانین و دستورات مذهبی بر روی پوست حیواناتی مانند گوسفند و گوساله به وسیله صومعه‌نشینان که خط زیبایی داشتند و می‌توانستند اوراق را با رنگهای الوان بیارایند، نوشته می‌شد. تهیه کتاب از آغاز تا پایان با دست انجام می‌شد. چنین کاری بسیار مشکل و طاقت فرسا بود. در بیشتر موارد، سالها وقت صرف تهیه یک کتاب می‌شد. این کتابها هم تنها در اختیار کشیشان و روحانیون قرار می‌گرفت.

کاغذ رفته رفته به اروپا راه یافت و در اوایل قرن دوازدهم میلادی در این سرزمین شناخته شد. ولی تا دو قرن پس از آن، تنها جهت دستنویسی مصرف

می‌شد. در قرن چهاردهم میلادی «یوهان گوتنبرگ» در شهر «ماینس» به دنیا آمد. وی در سال ۱۴۳۶ (۸۱۵ ه. ش.) در شهر استراسبورگ که اکنون متعلق به فرانسه است، به کار چاپ پرداخت. گوتنبرگ برای چاپ از فرمهایی استفاده می‌کرد که از سرب بودند. او برای مورد بعدی چاپ، این فرمها را آب می‌کرد و از آنها فرمهای جدیدی می‌ساخت.

کم کم گوتنبرگ موفق به ساخت حروف سری شد و به این ترتیب با انتشار کتب، وضع فرهنگ اروپا بکلی دگرگون شد. اگرچه در سال ۱۰۴۲ میلادی (۴۲۱ ه. ش.) فردی چینی به نام «شنگ» توانسته بود از گل رس حروفی بسازد، و همچنین در سال ۱۴۰۳ (۷۸۱ ه. ش.) در کشور کنونی کره، کارخانه ریختن حروف فلزی تأسیس شده بود. ولی اهمیت کار گوتنبرگ در این است که وی حروف فلزی متحرک و قابل تنظیم ساخت.

امروزه ماشینهای بسیار مدرنی وجود دارند که تعداد زیادی حروف را در مدت کوتاهی می‌ریزند. ولی صنعت چاپ با به عرصه‌های الکترونیک و کامپیوتر گذاشته است و با این گام، تغییراتی کیفی در این صنعت رخ داده است. اما با این همه آنچه که بدیهی و مسلم است، این است که شرق تا حد بسیار زیادی به تکنولوژی غرب در عرصه چاپ، وابسته است: شرفی که خود، زمانی پیشاز هنر و فن چاپ بود.

صنعت چاپ در ایران

گفته می‌شود که در دوره ایلخانیان صنعت چاپ از چین وارد ایران شد و پولهای کاغذی که «چاو» خوانده می‌شدند، به چاپ رسید. با این همه، اولین چاپخانه به وسیله ارامنه در جنتای اصفهان تأسیس شد و به این ترتیب، اولین کتاب، در سال ۱۶۴۱ (۱۰۲۰ ه. ش.) در ایران و خاورمیانه انتشار یافت.

تأسیس چاپخانه نقشی بزرگ در پیشبرد و گسترش فرهنگ و تمدن در ایران داشت. چون در زمانی که ارباب علم و تکنولوژیها با سرعتی خیره‌کننده به پیش می‌تازد، تنها به وسیله کتب و نشریات می‌توان از آثار به جا مانده از آن، مطلع شد. این چاپخانه که متعلق به کلیسا بود، تنها سه کتاب مذهبی منتشر و پس از آن، تعطیل شد. و پس از ۳۷ سال، باز دیگر شروع به کار کرد و سه کتاب دیگر منتشر کرد. اما در برابر پیشرفت و گسترش صنعت چاپ در ایران، یک عامل مهم وجود داشت و آن رواج و ارزش خطاطی و خوشنویسی و اشتیاق به

هنر در میان ایرانیان بود.

در سال ۱۸۱۶ به دستور فتحعلی شاه قاجار در یزد چاپخانه‌ای تأسیس شد و در همان زمان چاپخانه دیگری در تهران در معرض گشایش قرار یافت. سیزده سال بعد، به ترتیب چاپخانه‌هایی در یزد، مشهد، انزلی، رشت، اردبیل، همدان، تبریز، یزد، قزوین، کرمانشاه، کرمان و کاشان نیز برپا شدند.

نگفته شایان توجه در تاریخ چاپ ایران، آنست که چاپخانه‌های سریبی با وجود اینکه از نظر فنی، قدمت تاریخی داشتند، معیناً در مدت کوتاهی کنار گذاشته شدند. بیش از ۵۰ سال، چاپخانه‌های ایران، منحصر به چاپ سنگی بودند تا آنکه در دوران صنعت مظهرالدین شاه، چاپخانه‌های سریبی مجدداً معمول و متداول شدند.

با چاپ کتاب و ارتباط با اروپا کم کم، چاپ انتشار روزنامه هم به ایران راه پیدا کرد. نخستین روزنامه در سال ۱۸۲۸ میلادی (۱۲۰۷ ه.ش.) به سیرت میرزا صالح شیرازی به چاپ رسید. پس از آن، در سال سوم سلطنت ناصرالدین شاه یعنی در سال ۱۸۵۱ میلادی (۱۲۳۰ ه.ش.) میرزا تقی خان میرکبیر روزنامه «وقایع اتفاقیه» را منتشر کرد. انتشار این روزنامه هفتگی با استفاده از چاپ سنگی صورت می‌گرفت.

در آن زمان، تعداد کسانی که روزنامه می‌خوانند، بسیار محدود بود. به طور مثال در تهران ۲۷۰ نفر، در آذربایجان ۱۶۶ نفر و در فارس و گیلان رویهم ۳۵ نفر خواننده روزنامه وجود داشت. جمع تعداد روزنامه‌های منتشره از ۱۱۰۰ تجاوز نمی‌کرد که بخش زیادی از این تعداد به آن حکام و مأموران دولتی برمی‌گشت که مجبور به مطالعه روزنامه بودند.

چاپ در رژیم پهلوی

ویژگی سیاستهای رژیم پهلوی را در رابطه با چاپ می‌توان به دست زیرتفکیک کرد:

۱- عدم وجود ضابطه و سیاستهای دقیق جهت ورود ماشین آلات چاپ.

۲- وابستگی بیش از اندازه به متخصصین تکنولوژی چاپ کشورهای خارج بدون تأمین پشتیبانی تکنیکی یا تخصصی در کشور.

۳- در گذشته برای ورود ماشین آلات چاپ هیچ برنامه ریزی دقیق و مدونی وجود نداشت. واردات در این عرصه، بدون هیچ ضابطه‌ای و تنها براساس نیازهایی بوده که به ضرر مقطعی در این یا آن چاپخانه حادث می‌شده است. تنها بخشهایی که

چاپ پس از انقلاب

پس از انقلاب، وزارت ارشاد که ارگان ناظر بر تأسیس چاپخانه است، با در نظر گرفتن اینکه ورود ماشین آلات نیاز به اجازه قبلی این وزارتخانه دارد، در صدد برآمد تا ابتدا از ورود ماشین آلات جلوگیری کرده و سپس به بررسی و آمارگیری از توان صنعت چاپ و نیازهای این صنعت بپردازد. به این ترتیب ورود ماشین آلات متوقف شد.

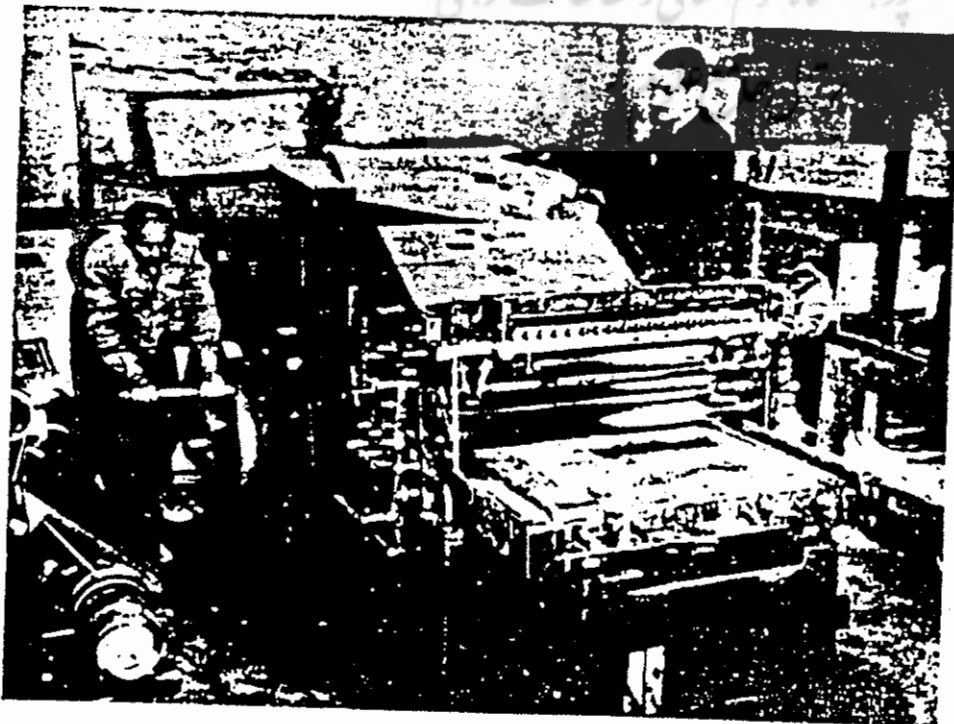
با این توقف، تمدادی از نمایندگیها تغییر شکل دادند و تمدادی دیگر به خارج از کشور گریختند. بخش دیگر نمایندگیها هم معارضه ویا منحل شدند. در بخش معارضه شده‌ها به دلیل آنکه تجربیات فنی و گسترده مورد نیاز در دست صاحبان جدید، وجود نداشت، سرویس دهی نمایندگیها با رکود مواجه شد.

از طرف دیگر، با رشد اشتیاق مردم به کتابخوانی و مطالعه در دو سال قبل و بعد از انقلاب، میزان تقاضا برای کتاب و نشریه افزایش یافت. این تقاضا، سیاست وزارت ارشاد جهت مردمی کردن این صنعت و دادن مجوز به کارگرانی که ده سال یا بیشتر سابقه کار داشتند، باعث شد که چاپخانه‌های جدیدی تأسیس بشوند. اما این افزایش، متناسب با میزان تقاضا در سالهای بعد، نبود و از این رو با افزایش و تراکم جمعیت در تهران، چاپخانه‌ها ناگزیر در فضاهایی حتی مضایق با استانداردهای بهداشتی جا گرفتند. مجموعه‌ای از چنین عواملی نیز باعث شد که در سال ۱۳۵۹ اجازه تأسیس چاپخانه در تهران نیز داده نشود. پس از آن، دست

به لحاظ اهمیت، مورد نظر دولت بودند. مانند روزنامه‌های بزرگ. تزئین برنامه ریزی نسبی در این رابطه برخوردار بودند. وگرنه چاپ در بخش خصوصی به صورت خودرشد می‌کرد. به این صورت که انواع نمایندگیهای مختلف، هر کدام یک ماشین و با یک کیفیت می‌آوردند. در نتیجه، در جامعه، تعداد زیادی نماینده‌های شرکتهای خارجی وجود داشتند که حجم بالایی از ماشین آلات متنوع چاپ را با خود به کشور می‌آوردند. چنان که بسیاری از این ماشین آلات از کیفیت پایینی برای چاپ، برخوردار بودند. به این ترتیب، می‌توان گفت که ماشین آلات چاپ در ایران، در یک ژنجیره به هم پیوسته نبودند که از طرفی به نیازهای فرهنگی و خدماتی جامعه پاسخ گویند و از طرف دیگر، جوابگوی تکنولوژی و تخصص موجود در ایران باشند.

۲- ورود ماشین آلات بدون پشتوانه تکنیکی آنها، سیاست دیگر رژیم گذشته بوده است. به این معنی که نمایندگیها همراه با ورود ماشین آلات، زمینه آموزش و تعمیر آن را فراهم نمی‌آوردند. یا به بیانی دیگر، زمینه گرفتن آموزش و یادگیری را در کشورهای خارج به میزانی بسیار محدود فراهم می‌کردند.

وجود امکانات آموزشی مورد نیاز این عرصه نیز بسیار کم بود. به همین دلیل، باسقاط شدن رژیم پهلوی و رفتن تمدادی از متخصصین خارجی این صنعت، بسیاری از دستگاهها، برای مدتی متروک و بدون استفاده ماندند.



گسترش امکانات چاپی به خارج از پایتخت گرایش پیدا کرد و جهت جلوگیری از تراکم، اجازه تأسیس چاپخانه تنها به کسانی داده شد که خوانسار تأسیس این واحد در شهرستانها بودند.

اما وظیف ناهماهنگ و ناهمگون چاپخانه‌ها در تهران باقی ماند؛ چاپخانه‌هایی با ماشین آلات چایی از ساده‌ترین تا مدرن‌ترین نوع اگرچه در تهران پهن شهر بزرگ، ماشینهای لتر پرس قیمت و سابقه طولانی دارند، اما در ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته، ماشینهای افست به تدریج وارد چاپخانه‌ها شده و به علت کارایی و سرعت عمل، مورد توجه قرار گرفته‌اند. معروفترین مارکهایی که در حال کار هستند، «هاید لبرگ» در چاپ لتر پرس و «افست» و «رولند» در ماشینهای افست و چند مارک نیمه معروف مانند «سنا» و «کروتال» و... می‌باشند.

در صنعت چاپ چه می‌گذرد؟

اگرچه سیاستهای دولت پاسخی به عملکرد سلط رژیم گذشته بوده ولی عملاً حرکتی جدی در سرعته ریشه کن کردن مشکلات چاپ و بویژه جایگزینی فضایی سالم و موثر در رابطه با چاپ در ایران صورت نگرفته است. در کنار این مسئله، فشارهای ناشی از تفضیقات و کمبودهای اقتصادی نیز عاملی گشته تا چاپ به مشکلات جدیتری دچار شود.

همان طور که گفته شد، تعداد چاپخانه‌های مس از انقلاب، باتوجه به نیازی که به واسطه رشد سیزدان کتابخوانی در میان مردم مطرح شده بود همچنین به دلیل گسترش عرصه صدور جواز به کارگران با سابقه، ازدیاد یافت.

در حال حاضر، تعداد چاپخانه‌های فعال کشور ۱۳۷۰ واحد است. از این تعداد ۶۱۰ واحد در تهران و ۷۶۰ واحد بقیه نیز در شهرستانها جای دارند. این وقام نمایشگر تراکم چاپخانه‌ها در تهران نیز می‌باشند. در تمام این چاپخانه‌ها تعداد ۳۷۳۳ ماشین چاپ اعم از مسطح یا افست نیز مشغول به کار هستند. با این همه، این تعداد از چاپخانه ماشین چاپ، جوابگوی نیازهای چاپی جامعه نمی‌باشند. چنانچه متقاضیان کارهای چاپی به طور مستمر با تأخیرهای غیر قابل ملاحظه‌ای در چاپ مواجه می‌باشند. چرا؟ لیا علت این امر به دلیل ازدیاد تقاضای کارهای چاپی است؟

عده‌ای چنین مطرح می‌کنند که افزایش تقاضاهای چاپی در عرصه مسائل فرهنگی دلیلی بر این نارسایی می‌باشد. برخی از حقایق عینی نیز لیلی بر این مدعا گشته‌اند. چنانکه در مهر ماه

۱۳۶۸ آقای غلامعلی حداد عادل اعلام کردند: «در ده سال گذشته، تیراژ کتابهای درسی از ۴۷ میلیون به ۱۱۸ میلیون رسیده است. این تیراژ تحت ۸۰۰ عنوان کتاب درسی عیبت پیدا کرده است». رشد جمعیت و به تبع آن، رشد جمعیت دانش‌آموزان نیز که تقاضاهای خاص خود را در زمینه نیازهای تحصیلی دارند، این مدعا را در ذهن بسیاری بیشتر جا می‌اندازد که تقاضای چاپ حد اقل در ارتباط با کتب درسی افزایش چشمگیری داشته است.

آمار نشریه‌های منتشره نیز تائیدی بر این امر هستند. در حال حاضر، بیش از ۱۰۰ نشریه در جامعه منتشر می‌شوند که ۱۳ درصد آنها به صورت روزانه، ۴۵ درصد به صورت هفتگی، ۱۲ درصد به صورت ماهانه، ۱۵ درصد به صورت فصلنامه و ۱۷ درصد دوبار در سال منتشر می‌شوند. باتوجه به درصد بیشتر نشریه‌های هفتگی، به طور طبیعی چاپخانه‌ها نیز با حجم کار بیشتری در عرصه نشریه‌ها مواجه هستند. اما شواهد، خلاف این مدعا را ثابت می‌کنند. به این معنی که نارسایی در خدمات چاپی به علت ازدیاد تقاضا نیست. چنانکه افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش نیاز به کتب درسی و همچنین افزایش تعداد نشریه‌های منتشره دلیلی بر کاهش یا نارسایی در خدمات چاپی نیست. هرگاه به شواهد عینی زیر توجه کنیم، بر این نظر تأکید بیشتری خواهیم داشت. در نشریه شماره ۸۱ صنعت چاپ در مرداد ماه ۱۳۶۸ چنین اعلام شده است:

• در تیریز ۱۰۳ و ۱۱۶ عنوان کتاب در سالهای ۶۳ و ۶۴ به ۲۷ و ۲۶ عنوان کتاب در سالهای ۶۵ و ۶۶ کاهش پیدا کرده است.

یعنی تعداد کتابهای منتشره در این شهرستان حدوداً ۷۶٪ کاهش پیدا کرده است این نشریه همچنین اعلام می‌دارد:

• یک صد چاپخانه تیریز هیچ کدام بازدهی ندارند.

اما این تنزل کار تنها به شهرستان تیریز محدود نمی‌شود. روند انتشار کتابها و دیگر کارهای چاپی فرهنگی، سیری نزولی داشته است. چنانکه از ۵۰۶ عنوان کتاب که به طور متوسط در سال ۶۲ چاپ می‌شده‌اند، تنها ۳۸۲ عنوان کتاب در سال ۶۴ به طور متوسط به چاپ می‌رسیده‌اند و این روند نزولی همچنان تا سال ۶۸ ادامه داشته است. به صورتی که تعداد زیادی از کتابها و نشریه‌ها و دیگر کارهای چاپی همه روزه در انتظار زمان چاپ نه سر می‌برند. به گواهی نشریه شماره ۸۰ صنعت چاپ

تعداد چاپخانه‌هایی که تنها دارای ماشینهای کوچک باورقهای کمتر هستند، بسیار بیشتر از چاپخانه‌هایی است که امکان بازدهی کار چاپ رابه علت داشتن ماشینهای باورقهای بیشتر در سطح وسیعتری دارند.

در تیرماه ۱۳۶۸ این زمان به بیشتر از ۴ هفته کشیده شده است.

توجه داشته باشیم که این کاهش در روند چاپ در زمانی صورت گرفته که در تعداد ماشینهای چاپ و چاپخانه‌ها تغییری صورت نگرفته است. بنابر این می‌توان به این نتیجه رسید که وقفه‌ای که در امر چاپ وجود دارد، به دلیل افزایش تقاضا نیست.

در ضمن، طبیعت برآورد برخی از مسئولان و متخصصان ما در حال حاضر، چاپخانه‌ها تنها با ۷۰٪ ظرفیت رسمی خود مشغول به کارند. به این معنی که امکانات بالقوه چاپ در کشور با تمام ظرفیت به کار گرفته نمی‌شود. چرا؟

در پیگیری این سؤال، چاره‌ای جز بررسی کیفیت ماشینهای چاپ در درجه اول و نیز ملزومات چاپ در درجه دوم نمی‌ماند.

ماشینهای چاپ

روند واردات ماشینهای چاپ از سال ۵۸ به بعد را کند ماند. این توقف پس از انقلاب به شدت از طرف وزارت ارشاد کنترل می‌شده است. بنا به گفته مسئولان، این تصمیم به دلیل وجود تعداد کافی ماشینهای چاپ در جامعه بوده است. اگرچه در این مدت، برخی از نهادها اقدام به وارد کردن تعدادی ماشین چاپ کرده‌اند. ولی صاحبان چاپخانه‌ها تنها در بعضی شرایط ویژه امکان ورود برخی از لوازم بدکی و معدودی از دستگاههای جانبی رابه صورت بسیار محدود داشته‌اند. بنابر این به استثنای نهادهایی که تعدادی ماشین آلات چاپ را وارد کرده‌اند، می‌توان سایر ماشینهای چاپ را به صورت دقیق بررسی کرد. می‌توان تعداد ماشینهای وارد شده را حدود یک درصد کل ماشینهای موجود

کرد. تعداد ۳۷۳۳ ماشین چاپ موجود در
کشور به نسبت سطح ماشین، چسب نسکاک
تولید:

افست

مقدار	ورق
۱۶	۰/۵
۱۷	۰/۷۵
۱۸	۱
۱۹	۱/۵
۲۰	۲
۲۱	۲/۵
۲۲	۳
۲۳	۴
۲۴	۴/۵
۲۵	۶

لتر پرسی

مقدار	ورق
۱۵۰	۰/۵
۲۴	۱
۱۳	۱/۵
۳۶	۲
۱۶	۲/۵
۲	۳
۱	۴
۱	۴/۵

همان طور که از جدول فوق پیداست، کثرت
این ماشینهای چاپ بر روی انواعی است که
نی و ورقهای کمتري هستند، پس امکان بازدهی
چاپ را به صورت گسترده و وسیع ندارند. با یک
نات شده پس تعداد ماشین آلات و تعداد
بازدهی در این شعبه مشخص می شود که آسانی
است که تعداد جدیدی خریدی که نسبت دارای
بیشتری کوچک با ورقهای کمتر هستند، بسیار
تر از چاپخانه هایی است که امکان بازدهی کار
چاپ را به نسبت داشتن ماشینهایی با ورقهای بیشتر،
سطح وسیعتری دارند.

این چاپخانه های کوچک، تعدادی هستند که
به وسیله کارگران یا سابقه ای که با پس انداز سالها
تلاش خود، موفق به خرید یک یا دو ماشین
شده اند، گشایش یافته اند. به قدرت دیگر، سرمایه
گشایش این چاپخانه ها، سرمایه ای اندک بوده
است. این سرمایه اندک، اکنون به لحاظ گرانی
ملزومات چاپ، از قبیل: کاغذ، مرکب، نیروی
متخصص و لوازم یدکی، توانایی سود دهی قابل
ملاحظه ای را ندارد. از این رو، این چاپخانه ها یا به
سختی امر چاپ را به جلومی برند یا از بازدهی
سابقه می شوند و یا به امر فروش سهمیه های خود در
بازار آزاد دست می زنند. اگر چه عده ای متخلف نیز
برای جبران کاستیهای خود دست به چاپ
برچسبهای تقلبی می زنند که خود سودی گزاف در
بردارد؛ و با اینکه گشایش ششانه روزی وزارت
ارشاد به طور مداوم چاپخانه ها را به لحاظ نوع کاری
که بدان اشتغال دارند، کمتر می کنند، ولی باز
نمونه هایی از این تخلفات دیده می شود. یعنی چاپ
برچسبهایی که دارای اجازه وزارت بهداشت، بخش
حفاظت وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان صنایع
کوچک و شهرداری نمی باشند. البته این نکته قابل
تذکر است که این تخلفات فقط محدود به
چاپخانه های کوچک نیست.

از دریچه ای دیگر، ماشینهای چاپ موجود در
ایران، سابقه ای حد اقل ۱۵-۱۰ سال دارند. به
عبارتی هیچ نوع ماشین جدید چاپ در این تعداد، به
چشم نمی خورد. (به استثنای نهادهایی که خود،
ماشین چاپ وارد کرده اند). بنابراین ماشینهای
چاپ موجود در ایران، از گردونه تحولات تکنیکی
و علمی چاپ در جهان، به کناری افتاده اند. به این
لحاظ، طبیعی است که سرعت گردش کار با توجه
به نوع و خدمت این ماشین آلات در مقایسه با آنچه
که در دیگر کشورهاست، کمتر باشد. در ضمن
اینکه برخی از انواع ماشین آلات موجود در ایران در
عرصه صنعت چاپ جهانی از رده خارج شده اند.
این مسئله مشکلات بسیاری را در رابطه با تأمین
لوازم یدکی برای این دستگاهها ایجاد می کند.

در شماره ۴ نشریه صنعت چاپ در تاریخ بهمن
سال ۶۱، آقای محمد شایور اسفندجانی مسئول
فروشگاه «ایران»، اظهار داشتند:
«... تمام ماشینهای فسی، قدیمی هستند و در اثر
کار زیاد کهنه شده و در نتیجه لوازم بیشتری احتیاج
دارند...»
از طرف دیگر، کارخانه های لبرگ در سال ۶۲
چهار نوع ماشین چاپ را از رده تولید خود خارج

و اعلام کرد که پس از آن، سفارشی جهت ارسال
قطعات یدکی برای این ماشینها را نمی پذیرد. این
ماشینها در سطح ۱/۵ تا ۲/۵ ورقی بوده اند. بنابر
این مشکل استیلاک ماشین آلات چاپ، مشکلی
جدی شد. این روند تا سال ۶۸ به صورت فزاینده ای
ادامه یافت و مشکل همچنان جدیتر شد.

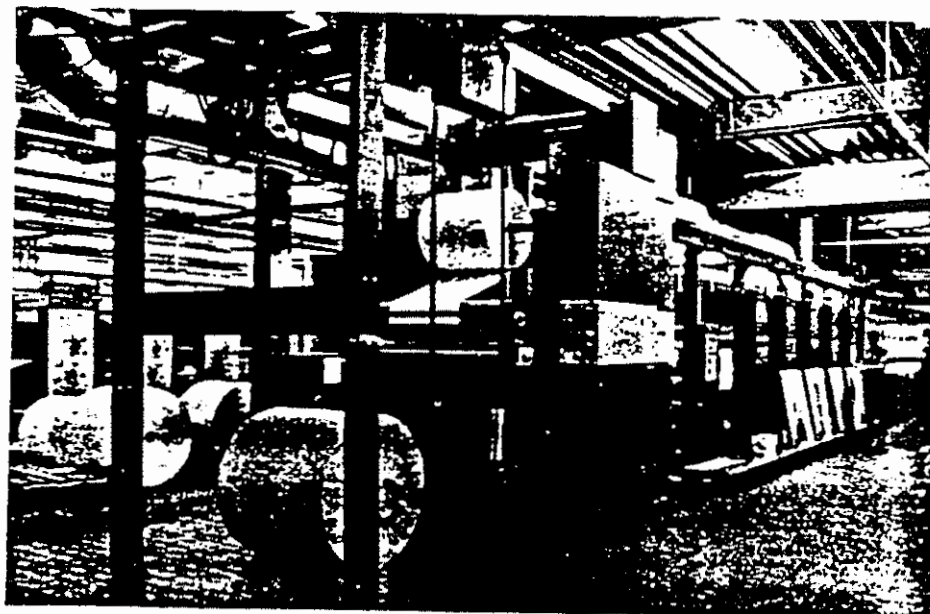
در پاسخ به این معضل، مؤسسه هماهنگی
و خود کفایی صنعت چاپ تشکیل شد. هدف از
تأسیس این مؤسسه، تأمین برخی از لوازم یدکی تا
رسیدن به حد خود کفایی در امر صنعت چاپ بوده
است. اما متأسفانه عملکرد این مؤسسه در طول این
چند سال، تنها به ساخت برخی از قطعات یدکی
ماشینهای چاپ محدود شده است. قطعاتی مانند:

- پنجه های زنجیر افست کلرومات
- دستگاه پست زن کالینگر
- گاز گیر کاغذ و چشم الکترونیک برش
- نورد لاستیکی ماشینهای چاپ
- خمیر روتوش فینس ارائه شده توسط شرکت

۱۱۰

- فسر لوله پنجه به ماشینهای افست خوابیده
- و مسطح
- تسمه منخی های دلبرگ
-

این مؤسسه در طول این مدت موفق به ساخت
ماشین آلات اصلی چاپ نشده است؛ که این خود
امری بدیهی است. چرا که ساخت یک ماشین
چاپ در محدوده تواناییهای صنعتی کشور امکانپذیر
است. ولی از طرف دیگر، عدم چاره جویی در این
رابطه، ما را همچنان در زنجیره وابستگی صنعت
چاپ کشورمان به کشورهای تولید کننده این
دستگاهها، نگاه می دارد. اگر چه تولید این قطعات
گامی بزرگ در جهت حل مشکلات ارزی، قطع
دست دلان و ارتقاء نسبی تواناییهای فنی کشور
است. اما برای درمان اساسی باید چاره ای اساسی
در زمینه ساخت ماشین آلات اصلی چاپ اندیشید.
عدم حضور ماشین آلات جدید در عرصه صمت
چاپ، باعث شده که ماشین آلات موجود به صورت
دورانی بین چاپخانه داران گردش کنند. به این
صورت که یک ماشین چاپ در طول عمر خود در
ایران حد اقل در دو تا سه و یا گاهی در تعدادی
بیشتر چاپخانه کار کند. این امر به افزایش بی رویه
و کاذب قیمتها نیز انجامیده است. اگر چه تورم
قیمتها ناشی از شرایط عمومی بازار ایران نیز هست،
ولی این گردش خود، نوعی دلال بازی بنیان را در
عرصه صنعت چاپ دامن زده است. این امر در مورد



توزیع فراوانی نوع حروفچینی دستی باتوزیع فراوانی نوع الکترونیکی حروفچینی، تقریباً برابر است؛ و این زمانی است که میزان ماشین آلات نسبت ما تقریباً دو برابر تعداد ماشین آلات چاپ به شیوه لتر پرس است.

بنابر این ضرورت رسیدگی به بخش حروفچینی در صنعت چاپ در رده های مقدمه قرار می گیرد. اگر چه در خود زمینه حروفچینی نیز کمبود لوازم بدکی تفضیقاتی را فراهم می کند که باعث می شود از کیفیت و کمیت کارکاسته شود.

در زمینه لیتوگرافی، با کم شدن نقش ماشینهای لتر پرس، نقش کلیشه نیز کاهش پیدا کرد و ضرورت توسعه لیتوگرافی افتست، گسترش یافت. بنابر این ضروری است که در برنامه ریزیهای آتی، لیتوگرافی نیز بر مبنای چاپ افتست، گسترش پیدا کند. همچنین ضرورت بهره‌وری از تکنولوژی مدرن با استفاده از توانهای تولید فیلم به وسیله تولید اسکنر و روتوش و مونتاژ به وسیله دستگاههای الکترونیکی گریز ناپذیر است. در حال حاضر، تعداد کل لیتوگرافیهای موجود در ایران به ۱۲۶ واحد می رسد، که از این ۱۲۶ واحد، ۱۰۵ واحد در تهران و ۲۱ واحد در شهرستانها مستقر هستند.

علاوه بر کل آمار داده شده در زمینه چاپخانه‌ها و حروفچینها و لیتوگرافیها، لازم به یادآوری است که تعداد ۱۰۰ چاپخانه دولتی نیز در تهران وجود دارد. این ۱۰۰ واحد، بخشهای لیتوگرافی و حروفچینی را نیز در خود موجود دارند. بنابر این همان طور که گفته شد، غیر از این ۱۰۰ واحد چاپخانه دولتی، بقیه چاپخانه‌ها، حروفچینها و لیتوگرافیهای مستقر در تهران یا شهرستان متعلق به بخش خصوصی هستند.

لوازم بدکی

یکی از ملزومات چاپ، لوازم بدکی ماشین آلات اصلی و جانبی چاپ می باشند. این دسته از ملزومات، در شرایط کنونی در یکی از بحرانیترین دوره‌های حیات خود، در کشور ما به سر می برند. همان طور که گفته شد، با توجه به عدم ورود ماشین آلات جدید، صنعت چاپ کشور، روز به روز باماشینهای مستهلکتری مواجه است.

بدیهی است که برای راه‌اندازی ماشینهای مستهلک شده‌ای که از کار می افتند، به وجود لوازم بدکی این ماشینها نیاز هست. اما مسئله لوازم بدکی در حال حاضر، در صنعت چاپ یکی از مسائلی است که علی‌الرغم پرداخت دولت به آن، سبب افت چاپ به صورت بالفعل می شود.

همان طور که گفته شد، پس از انقلاب و متحل

این خود، ضرورتی بدیهی بوده است. ولی این روند با قطع ورود ماشین آلات چاپ دچار ایستایی شده است.

باتفصیل نوع ماشین آلات چاپ، تغییر در نوع حروفچینی هم ناگزیر بوده است. باتمویض سبم چاپ از روش چاپ برجسته (لتر پرس) به شیوه چاپ افتست و گسترش جهانی آن و گران شدن ملزومات شیوه چاپ لتر پرس و همچنین ایجاد تسهیلات روزافزون در زمینه چاپ افتست، حروفچینی به سبک سری را اعم از اتوماتیک یا دستی - غیر اقتصادی می کند. بنابر این در زمینه حروفچینی این نیاز مطرح می شود که از وسایل پیشرفته حروفچینی که غالباً با سبم کامپیوتری برنامه ریزی شده‌اند، بهره‌وری شود.

در حال حاضر، تعداد کل حروفچینها در ایران ۶۰ واحد است. از این ۶۰ واحد ۵۳ واحد در تهران مستقر هستند. البته قابل به ذکر است که تعدادی از چاپخانه‌ها هم در درون خود، امکانات حروفچینی را دارند. از این رو سنجش تعداد حروفچینها به صورت دقیق، کمی مشکل است. ولی در ۶۰ واحد ذکر شده، در ایران پراکندگی نوع حروفچینی به قرار زیر است:

ماشین سری	۱۰
دستی	۲۲
الکترونیکی	۲۸

با دقت به جدول فوق، متوجه می شویم که

دستگاههای جانبی چاپ به صورت کمتری به چشم می خورد. زیرا همان ضرورتی که گفته شد، مؤسسه خود کفایی و دیگر صنعتگران توانسته‌اند ماشینهای مانند: قیدکی- ماشین برش- پرسهای بسته بندی- نوردشوی- نه گردکن- کتاکت- زینک سوز و امثال اینها را تا حدی تأمین کنند. این کار مهم که در قیل از انقلاب، به هیچ وجه در هیچ قسمتی انجام نشده بود، در دوران بعد از شکوفایی انقلاب، با کمکهای گسترده وزارت ارشاد و دیگر ارگانها و با هماهنگی و همفکری صنعتگران میر شده؛ به طوری که می توان گفت که از این نظر، مشکل جدی وجود ندارد. ولی در زمینه ماشین آلات اصلی، نیاز به ورود ماشینهای مانند ماشین «رل» که سرعت و توان بالا و نیازمند پرسنل کمتر است و کیفیت قابل قبولتری را دارا می باشد، احساس می شود.

در زمینه ماشین آلات تولید کتاب نیز در عرصه جهانی تحولات فراوانی به وجود آمده است. از جمله، ماشینهای خودکار ساخت کتاب با جلد ضخیم و یا حجم گسترده. حضور چنین ماشین-آلاتی نیز به نیازهای آموزش و پرورش در رابطه با چاپ کتب درسی پاسخ مثبتی می دهد.

متأسفانه همان طور که گفته شد، تعداد ماشینهای مانند ماشین رل در تهران بسیار کم است. و در صورت بسیار محدود در اختیار کسی نیست. بقیه دستگاههای موجود، با لتر پرس هستند یا افتست. تعداد ۲۴۶۱ ماشین افتست، در برابر ۱۲۷۲ ماشین مطبع، نمایشگر گرایش صنعت چاپ به سوی ماشین آلاتی با سرعت و کیفیت بالاست، که

ماشینهای چاپ موجود در ایران از
ردوند تحولات تکنیکی علمی چاپ
جهان، به کناری افتاده اند.
متأسفانه در ایران ضابطه‌ای به نام
وانابسی مدیریت برای مدیران
پایخانه‌ها در نظر گرفته نشده است.
بسیاری از مشکلات موجود در امر
چاپ... ناشی از وجود بازار سیاه
عالمی است که در این ارتباط وجود
دارد.

شدن نمایندگیهایی که در رابطه با شرکتهای
تولیدکننده ماشین آلات، چاپ در ایران فعالیت
داشتند، در سیستم ارائه لوازم یدکی در ایران،
نارسانیهایی به وجود آمد. این نارسانی باعث پدیدار
شدن مسئله گرانی و ناهماهنگی در ارائه لوازم یدکی
و همچنین اثرات نامطلوب آن شد.

اکنون که ۱۱ سال از این توتف بزرگ
می گذرد، ما شاهد وجود ماشین آلاتی هستیم که نه
تنها از دایره حرکت صنعت چاپ جهانی بیاربه
دور افتاده اند، بلکه به دلیل قدمت خود، دچار
استهلاکهایی جلی شده اند. از این رو، تأمین لوازم
یدکی روزبه روز ضرورتری می شود. با این همه،
همان طور که اشاره شد، به همت صنعتگران ایرانی
و وجود مؤسسه‌هایی همچون مؤسسه خودکفایی در
صنعت چاپ، تلاش و موفقیت در زمینه ساخت لوازم
یدکی در ایران روزبه روز افزایش یافته است؛ به
طوری که اکنون می توان گفت که به طور نسبی این
نیاز تأمین می شود. اگرچه باید یادآوری کرد که
این تأمین که ویش به مسئله افت کارکردی
خدمات چاپی نیز بر می گردد. چنانچه اگر روزی
مشکلاتی مانند مسکن کاغذ چنان حل شود که
کاغذ به وور دراخته و مصرف کننده باشد، این
ماشین آلات با این حد از وجود لوازم یدکی
جوابگوی نیازهای چاپی نخواهند بود. از طرف
دیگر، همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، باید به فکر
تأمین و ساخت ماشین آلات اصلی بود تا بتوان
مشکلات ففعات یدکی را با ساخت آنها در ایران، حل

کرد. اگرچه خود این مقوله جای بحث فراوان دارد.
با این همه، این نیز مسئله‌ای روشن و واقعیتی مسلم
است که برای تراشکاران ما ساختن قطعات یدکی
باتوجه به هزینه بالای ساخت، از نظر اقتصادی
مقرون به صرفه نیست.

با این همه، باتوجه به اینکه ساخت بسیاری از
قطعات هنوز در ایران میسر نیست، تنها راه حل
موجود، وارد کردن این قطعات یدکی است. اما در
اینجا نیز همچون بسیاری از کالاها که نیاز به وارد
کردن آنها از کشورهای خارج می باشد، مشکل
کسب ارز به شدت خودضایی می کند؛ چرا که
باتوجه به محدودیتهای ارزی، که ناشی از وجود
مشکلات در عرصه اقتصادی است، واردات قطعات
یدکی نیز از محدودیت برخوردار می شوند.

نکته شایان توجه آن است که همین واردات
محدود نیز از هماهنگی لازم در عرصه ورود و توزیع
برخوردار نیست، همچنان که از ابتدا نیز نبوده
است. مسئولان شرکت تجارت چاپ نیز در
مصاحبه‌ای که نشریه صنعت چاپ شماره ۴ در
تاریخ ۶۱/۱۱، داشته اند، اشاره کرده اند:

«نکته‌ای که به نظر ما مهم است این است که
چاپ و مسئله وسایل یدکی آن، تخصصی است
و مراکز تهیه و توزیع آینده که تخصصی ندارند، به ما
فشار می آورند و با اینکه در حال حاضر خیلی در
مورد وارد شدن و تأمین لوازم تلاش می کنیم، باز هم
چاپخانه‌ها گله مند هستند. اما شرکتهای توزیع
مشکلات بیشتری در آینده به وجود خواهند آورد،
زیرا نمی دانند چه چیزی را باید وارد کنند.»

در تیرماه ۶۲ نیز کمیته امور صنعتی طی نامه‌ای
به عنوان اتحادیه پیشنهاد معرفی ۲ نفر نماینده بصیر
و ثابت را برای مشارکت در امر واردات کرد. بروز
این پدیده نیز ناشی از فروپاشی نمایندگیها بود. زیرا
پس از آن نیز نهادهایی که جایگزین نمایندگیها
بشوند و وظایف آنها را کاملاً برعهده بگیرند، به
وجود نیامد. به این معنی که یک یا چند مؤسسه
وارداتی که تأمین کننده لوازم یدکی و تعمیرات
ماشین آلات نیز باشند دایر نشدند. در عوض با
گیسختگی که در نمایندگیها به وجود آمد
و پاشیدگی ویریشانی صاحبان مؤسسات، و همچنین
عسکرکرد ناهماهنگ و ناموزون ارگانها در امر
واردات، شکل نگهداری ماشین تغییر پیدا کرد.
اکنون لوازم یدکی را هر کسی به هر شکلی که
می تواند، وارد می کند و سپس به قیمت بازار سیاه
عرضه می کند. در سال ۱۳۶۷، ارزش مختصری به
شرکتی داده شد. این شرکت وابسته به بنیاد

مستضعفان بود که به علت عدم توزیع صحیح
و سرویس دهی گران و بی ضابطه گی و همچنین عدم
تخصص اغلب متخصصین این شرکت نه تنها از این
حرکت، نتیجه مطلوب گرفته نشد، بلکه نارسانیهایی
دیگری مانند خرابی ماشین آلات را به دنبال خود
آورد.

به علت ضعف این دو عامل، یعنی اینکه
نگهداری ماشینها و تأمین نیاز لوازم یدکی آنها
باتخلل و تأخیر روبرو بوده، بازدهی ماشین آلات
حدود ۳۰٪ افت داشته است.

از طرف دیگر، باید به این نکته نیز توجه کرد
که اساساً فرسودگی ماشینهای چاپ و لوازم فرسوده
آنها با قطعات جدیدی که جایگزین قطعات از کار
افتاده شده اند، هماهنگی ندارد، خود این مسئله،
مشکل دیگری است که چاپخانه‌ها با آن در تماس
هستند. در ضمن اینکه برای تأمین همین لوازم از
خارج از کشور نیز با مشکل دیگری دست به
گریبان باید بود؛ و آن از رده خارج شدن آن دسته از
ماشین آلات چاپ است که در عرصه صنعت چاپ
جهانی بسیار قدیمی و فاقد کارایی مورد نیاز شده اند.
آخرین نکته‌ای که در ارتباط با مشکل لوازم
یدکی قابل ذکر است، مسئله انبارداری می باشد.

یعنی وجود انبارهایی که به صورت متمرکز توان
قطعات یدکی با شیوه‌های علمی و اصولی در آنجا
نگهداشته شود، چون در واقع حتی انبارداری این
قطعات نیز نیاز به متخصصین خود دارد.
در آخر سخن، اگرچه، حل مشکل تأمین لوازم
یدکی تا حدی به واردات این لوازم بر می گردد،
ولی بخشی نیز در گرو این عمل است که چگونه از
ماشین نگهداری کنیم که بازدهی بیشتری داشته
باشد. در همین مقطع است که نیاز به وجود
کارگران ماهر و آسایش دینه در عرصه چاپ، به
شدت احساس می شود. چرا که به این ترتیب هم بر
کیفیت چاپ افزوده می شود، هم بر وضوح عسر
دستگاه.

با توجه به تمام موارد ذکر شده در ارتباط با لوازم
یدکی ماشین آلات چاپ، می توان به این نتیجه
رسید که عدم تأمین اصولی و به موقع این لوازم باعث
اختلال در بازدهی کامل این ماشین آلات
و همچنین دامن زدن به بازار سیاه در جامعه می شود.
نیروی انسانی متخصص

پس از پرداخت به ماشین آلات چاپ، اولین
موردی که در ذهن مطرح می شود، نیروهای
متخصصی است که هر یک به نوعی در کنار این
ماشین آلات قرار می گیرند. نیروهایی که در

اندازی، مراقبت یا سازماندهی کار این ماشین آلات معال هستند. این نیروها ریه جهت مسئولیتی هر دسته در وقت کار جاب بر غصه دارند. نه سه سه می توان تقسیم کرد:

۱- اپراتور چاپ - برای راه اندازی و کار با ماشین چاپ، به وجود اپراتور چاپ با کارگر ماهری که کار این دستگاهها را چه از طریق آموزش کلاسیک چه به صورت تجربی آموخته باشد، هست. در ایران، متأسفانه بیشتر اپراتور چاپ، کسانی هستند که این تخصص را از راه تجربه کسب کرده اند و بنا بر این غالباً فاقد آموزش کلاسیک هستند. اما زمانی که در صنعت چاپ، روزه روز محولات تازه ای از نظر تکنولوژی به وقوع می پیوندد، نداشتن وعدم برخورداری از آموزش کلاسیک، معنی بزرگ جدلی می شود؛ چرا که این عدم گاهی تأثیر زیادی بر روند افت کیفیت و کمیت چاپ می گذارد.

۲- تعمیرکاران چاپ - تا پیش از انقلاب، تأمین نیازهای تعمیراتی ماشین آلات برعهده ساینده گیهای بود که خود، ماشین را در اختیار مصرف کننده می گذاشتند. خود این تعمیرکاران یا تکنسینها نیز از طرف شرکت تولید کننده، آموزش و دوره های لازم را می دیدند.

پس از انقلاب، با فروپاشی نمایندگیها، روند تأمین ملزومات ماشینهای چاپ نیز دچار آشفتگی و پیرشانی شد. بنا بر این، یکی از این ملزومات، تعمیرکارانی است که وظیفه مراقبت و تعمیر این ماشین آلات را برعهده دارند. در شرایط حاضر سرویس دهی تعمیراتی ماشینهای چاپ، چه به لحاظ زمانی و چه به لحاظ مادی بسیار نابه سامان است. دستمزدهای گران تعمیرکاران و همچنین عدم سرویس دهی به موقع آنها، از جمله مشکلاتی است که چاپخانه ها با آن مواجه هستند. یکی از دلایل وجود این مشکلات کمبود این تعمیرکاران ماشین آلات چاپ به چشم می خورد. این کمبود بر سلامت و نگهداری ماشین آلات و همچنین کارایی آنها تأثیر مستقیم می گذارد. بنا بر این یکی دیگر از دلایلی که بر افت خدمات چاپی تأثیر می گذارد، کمبود نیروی تعمیراتی ماهر است.

۳- مدیریت چاپخانه ها - سازماندهی کار در چاپخانه ها، سحنش توانایی و راندمان کاری هر میرد در چاپ، تشخیص صحیح چگونگی حل مشکلاتی که در امر چاپ به وجود می آید، همه و همه بایستی در وجود یک مدیر چاپخانه گردد آید. بنا بر این یک مدیر چاپخانه باید نسبت به امر چاپ، ماشین آلات

چاپ و سازماندهی و مدیریت کارگران چاپ آشنایی کامل داشته باشند. فقدان هر یک از سه مورد فوق، در چاپ و میزان کارایی چاپخانه اختلال ایجاد می کنند.

متأسفانه در ایران فضا ای به نمان توانایی مدیریت، برای مدیران چاپخانه ها در نظر گرفته نشده است. از این رو در میان مدیران چاپخانه ها، کارگران با سابقه ای که نسبت به ماشینهای چاپ و خود امر چاپ آشنایی کامل دارند، ماتخصصی در مدیریت به عنوان یک فن، ندارند، و همچنین سودجویانی که به حکم سودبردن، جذب این حرفه شده اند، نیز به چشم می خورد. بنا بر این می توان گفت که عدم مدیریت صحیح و همه جانبه مدیران چاپخانه ها نیز در امر چاپ و امکانات بالفعل چاپ تأثیر می گذارد.

در پرداخت پایانی به مسئله نیروهای انسانی متخصص در امر چاپ، می توان این نتیجه را گرفت که اشکال عمده در ارتباط با این نیروها ضعف در آموزش و برنامه های آموزشی برای این نیروهاست. چنانچه این ضعف از پیش یا برداشته شود، با یک نظام یاسم تأمین خود کار نیروهای متخصص مواجه خواهیم بود.

کاغذ

یکی از مهمترین و اساسیترین ملزومات چاپ، کاغذ است؛ چیزی که اکنون در ایران در انحصار دلالان و واسطه گران بازار سیاه قرار گرفته است. بسیاری از مسئولان و متخصصان، کمبود کاغذ در بازار را علت افت در راندمان خدمات چاپی

می دانند. به زعم این عده عدم دسترسی به موقع و به اندازه به کاغذ برای چاپخانه داران باعث شده که در ارائه خدمات چاپی، کاستی و سستی به وجود آید. اما واقعیت این است که کاغذ یکی از کاستیها در امر امکانات چاپ و شاید یکی از مهمترین آنها باشد.

برای بررسی دقیقتر علل بحران کاغذ و میزان تأثیر آن بر امر چاپ، پیش از هر چیز باید شرایط مصرف کاغذ در جامعه را مورد دقت قرار داد.

جامعه ایران پس از استقرار رژیم پهلوی و وابستگی شدید به کشورهای غربی، از نظر ساختار اقتصادی، دارای طیف گسترده ای از نیروهای خدماتی شد. با از بین رفتن واضمحلال تدریجی بخش کشاورزی و هر چه کوچکتر شدن بخش صنعت، به واسطه وابستگی آن، بخش خدمات روز به روز گسترش یافت. این بخش در پیش بردن امور خدماتی خود و همچنین جهت تبلیغ و معرفی خود، نیاز به مقدار زیادی کاغذ داشت. پس از انقلاب نیز این نیاز نه تنها به همان مقدار بلکه به مقداری بیشتر مضمح شد؛ چرا که بخش خدمات گسترش بیشتری نیز یافت. دلیل این امر نیز افزایش دلال بازی و واسطه گری و شرکت های میانجی بود که به واسطه مشکلات اقتصادی تحمیل شده بر جامعه ایران، روزه روزه روز زمینه رشد بیشتری پیدا می کردند.

از طرف دیگر نیازهای فرهنگی جامعه از طریق مطالعه و خواندن کتابها و استفاده از نشریات مختلف که به چاپ بیشتر این رسانه ها انجامید، در سالهای



می خورد. از این رو، بازار فروش مرکبهای خارجی داغ می شود و قیمتهای گزافی که از طرف دلالات گذاشته می شود، چاپخانه ها را دچار اشکال می سازد.

آخر سخن

در آخر سخن، می توان این نظر را با قوت بیشتری مطرح کرد که بسیاری از مشکلات موجود در امر چاپ که بر کارایی امکانات چاپ، تاثیر منفی گذاشته می گذارد، ناشی از وجود بازار سیاه فعالی است که در این ارتباط وجود دارد. از این رو، نظارت جدی و هماهنگ دولت بر این امر، بسیار ضروری است و چنان مؤثر که می توان امیدوار بود که بسیاری از تضییقات بر طرف شود.

تاکنون این کار در طول تاریخ چاپ، سامان مشخصی نداشته و همیشه به صورت یک مشکل مطرح بوده است. با وجود تلاشهای فراوان دست اندرکاران چاپ، هنوز یک هماهنگی مطلوب، حاصل نشده است. زیرا در واقع بر خلاف بخشی صنوف که از شکل بیضی برخوردارند، چاپ به علت برخورداری از جنبه های فرهنگی-هنری و سیاسی و صنعتی به ناچار نظارت چند ارگان را می طلبد. این ارگانها باید با هم هماهنگی داشته باشند تا حاصل آن، یک مدیریت قوی باشد؛ مدیریتی که بتواند با تکیه و براساس آن، یک برنامه ریزی دقیق برای صنعت چاپ طرح کرد. ■

دستخوش کاستنهایی شد. اما از آنجا که برای بیشتر کارهای چاپی نیاز به کاغذ تحریر است و کاغذ تحریر نیز تنها با امتزاج ۳۰٪ از این الیاف مصنوعی امکان پذیر است، لذا میزان تولید کاغذ در کشور با توجه به نیازهای موجود به هیچ وجه جوابگو نیست. جنگ و سایر فشارهای دیگر نیز بر همین میزان تولید، تاثیر گذاشته و آن را دچار اختلال ساخت. بنابر این نیاز به وارد کردن کاغذ از خارج به طوری جدی مطرح شد. اما واقعیت این است که دست دلالات و واسطه گران در عرصه واردات بیشتر باز است تا در عرصه تولید؛ و تولید بسیار تلذگ است. آخرین آماری که از مصرف کاغذ در جامعه مطرح شده، چیزی در حدود ۵۰۰ هزار تن است. از این مقدار تنها ۶۵۰ هزار تن به وسیله کارخانه های کاغذسازی پارس تولید شده است. کارخانه های کاغذسازی دیگری هم که در کشور هستند، امکان تولید کاغذ تحریر ندارند.

واقعیت این است که برای تولید کاغذ، احتیاج به سرمایه گذاریهای گسترده و کلاتی هست؛ از قبیل ایجاد جنگلهایی با درختان سوزنی برگ؛ کبیتی که در جنگلهای طبیعی کشور ما وجود ندارد. اکنون نیز تا ایجاد چنین جنگلهایی می توان از باگاس و نیزارهایی که در نقاط مختلف کشور وجود دارند و همچنین با استفاده از الیاف بلند وارداتی، تولید کاغذ را به میزان بیشتری رساند و به این ترتیب، دست دلالات و واسطه گران را کوتاه کرد.

مرکب

جهت تولید مرکب نیز، دو کارخانه «مرکب ایران» و «مرکب البرز» در کشور فعال هستند. توان تولید سالانه کارخانه مرکب ایران ۱۰۰۰ تن در سال و کارخانه مرکب البرز ۸۰۰ تن در سال است، که تولیدات کارخانه مرکب البرز به دلیل دولتی بودن آن، صرف نیازهای چاپی دولت می شود و مازاد آن به بازار عرضه می شود. به علت مسائلی که در ورود مواد اولیه مورد نیاز برای تولید مرکب وجود داشته و دارد، کیفیت و کمیت تولید مرکب از سطح پایینی برخوردار است. کیفیت بد به بندی مرکبها که در اندازه های مختلف جهت مصارف مختلف، ارائه نشده است، عده وجود رنگینهای متنوع در بازار فروش، شده و وجود استانداردهای مشخص و صد رصه معین برای تولید رنگ، چنانکه دو رنگ مشابه با دو شماره یکسان، دو نمود متفاوت نداشته باشند و همچنین کیفیت نازل مرکب در میزان غلظت و همچنین مانده گاری آن بر روی کاغذ، همه و همه کاستنهایی است که در مرکبهای ایرانی به چشم

۶۵۵۰۹ دچار رکود نسبی شده؛ و تنها سه تا چهار تن است که این نیاز شدت بیشتری پیدا کرده است و در چاپ نشریه ها و کتب علمی مختلف پاسخ می شود. البته فرض بر این است که عیبیت خود در جامع پاسخی است به نیازهای مطرح شده همان موقع) اما مشکل کاغذ تا قبل از این زمان با شدتی کمتر با بیش یکسان با الان، وجود داشته است. با توجه به این مسئله و با توجه به گسترش بخش خدمات: می توان این نتیجه را گرفت که شکل کاغذ ناشی از نیازهای فرهنگی جامعه است. بلکه ناشی از نیازهای خدماتی جامعه است. به این معنی که بخش خدمات بر کمبود گزافی این کالا تاثیر بیشتری دارد. با توجه به اینکه نمایندت دولت به واسطه وزارت ارشاد در رابطه با این کاغذ تنها از بخش فرهنگی است، می توان به نتیجه فوق اعتقاد بیشتری آورد. از آنجا که شدت کار چاپ بر روی کارهای خدماتی در جامعه است، نیاز به کاغذ برای این دسته از کارها نیز بیشتر است. اما تهیه کاغذ در این بخش، باید از طریق بازار آزاد انجام گیرد. از این رو، نوسان قیمت و کمبود کاغذ در جامعه نیز بیشتر به میزان عرضه و تقاضا یا دلال بازیهای است که در این عرصه انجام می گیرد. اما از طرف دیگر، این نوسان و کمبود به کارهای فرهنگی نیز انتقال می یابد؛ چرا که سهمیه ای که وزارت ارشاد برای ناشران در نظر می گیرد، از نظر زمانی و از نظر مقدار، جوابگوی نیازهای انتشاراتی آنها به طور کامل نیست. در نتیجه عقب افتادن و تأخیر یا اختلال در امر چاپ ناشی از نوساناتی است که از بخشی دیگر به بخش فرهنگی منتقل می شود؛ نوساناتی که خود ناشی از وجود بازار سیاه فعالی است که در این زمینه وجود دارد.

اکنون این سؤال مطرح می شود که چرا تولید کاغذ در خود ایران، با توجه به منابع غنی از جنگلهایی که در کشور مستحسور نمی گیرد؟ بزرگترین کارخانه کاغذ سازی در ایران به نام کارخانه «کاغذسازی پارس» حدود ۲۳ تا ۲۴ سال پس تأسیس شد. این کارخانه برای تولید کاغذ از تخته بشکر به نام «باگاس» استفاده می کند. ولی از آنجا که تخته های تولید شده از این تخته به اندازه کافی بلند نیستند، لذا مجبور به استفاده از الیاف بلند مصنوعی که از درختهای سوزنی برگی مانند کاج به دست می آید، به میزان ۳۰٪ می شود. پس از انقلاب، نوساناتی که در امر ورود کالاها و مواد اولیه به وجود آمد، ورود این الیاف مصنوعی نیز

